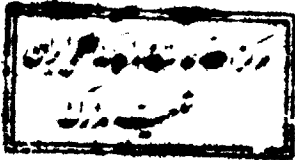


ولایت فقیه، قدرت و نظارت از دیدگاه امام خمینی (ره)



پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی

۱۳۳۸ / ۹ / ۲۰

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد

در رشته علوم سیاسی

توسط

محمد باوی

استاد راهنما: دکتر باقر حشمت زاده

بهمن ماه ۱۳۷۶

۱۳۰۸۶ / ۲

۲۶۱۳۶

## برگ تأیید پایان نامه

**عنوان پایان نامه:** ولایت فقیه، قدرت و نظارت از دیدگاه امام خمینی (ره)

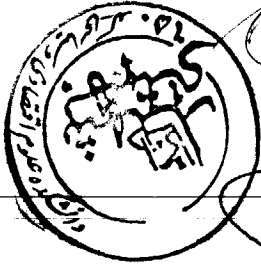
**نام دانشجو:** محمد باوی

**دوره:** کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

این پایان نامه در جلسه ۳۰۰۰۷۴۴۳۰۰۰۰ با شماره ۱۹۰۰۰ و درجه عالی ..... مورد تأیید  
اعضاء کمیته پایان نامه، متشکل از استادان زیر، قرار گرفت:

**دکتر باقر حشمت زاده** : استاد راهنما

امضاء:



**داوود فیروزی** : استاد مشاور

امضاء:

**دکتر عرب** : استاد ناظر

امضاء:

۲۶۱۳۶

نگارش این پایان نامه با حمایت‌های مالی و علمی مرکز تحقیقات علمی  
دبیرخانه مجلس خبرگان در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید  
بهشتی در فاصله زمانی دی ۷۵ تا بهمن ۷۶ به انجام رسیده است. به استثناء  
کمک‌های مورد اشاره در سپاسگزاری، محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط  
اینجانب فراهم آمده است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرک دیگری  
به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه‌ها ارائه نشده است.

محمد باوی

بهمن ماه ۱۳۷۶



## سپاسگزاری

در به انجام رساندن این پژوهش مرهون راهنمایی و یاری استادان و دوستانی بوده‌ام که از همه آنان سپاسگزارم؛ به ویژه بر خود فرض می‌دانم که از آقایان دکتر حشمت زاده - استاد راهنما -، حجة الاسلام فیرحی - استاد مشاور و حجة الاسلام قاضی زاده - مسؤول مرکز تحقیقات علمی دبیرخانه مجلس خبرگان -، به نام یادکنم که علاوه بر سهولت بخشیدن به مراحل اداری تصویب و انجام این پژوهش و فراهم آوردن امکان دسترسی به منابع بیشتر، در جلسات متعددی با من به گفتگو نشستند و در به بار آوردن اندیشه‌هایی که در این پژوهش آمده، سهیم بوده‌اند. بدیهی است که مسؤولیت کلیه کاستی و خطاهای این پژوهش متوجه نگارنده است. امید من آن است که ناقدان بصیر و خوانندگان دقیق نکته سنج، در این پژوهش به دیده تأمل بنگرند و خطاها و کاستی‌های آن را یادآور شوند و عذرم را در خطاهائی که بر این قلم جاری شده بپذیرند.

والحمد لله أولاً وءاخراً

نام خانوادگی: باوی

نام: محمد

دانشکده: علوم اقتصادی و سیاسی

رشته تحصیلی و گرایش: علوم سیاسی

نام استاد راهنما: دکتر باقر حشمت زاده

تاریخ فراغت از تحصیل: بهمن ماه ۱۳۷۶

عنوان پایان نامه: ولایت فقیه قدرت و نظارت از دیدگاه امام خمینی (ره)

### چکیده

در این نوشتار پرسش اصلی این است که حضرت امام، برای جلوگیری از سوء استفاده ولی فقیه از قدرت چه ساز و کاری را پیشنهاد می‌کند؟ آیا بر ولی فقیه نظارتی قابل اعمال است؟ برای پاسخ گفتن بدین پرسش در بخش اول پایان نامه دو نگرش سنت گرایانه و نوگرایانه در باره قدرت و مهار آن از یکدیگر باز شناخته شده است؛ بر اساس نگرش سنت گرایانه قدرت، به خودی خود، خیر است و فساد آور نیست. بنابراین برای مهار قدرت باید از سازوکارهای درونی بهره گرفت. متقابلاً در چارچوب نگرش نوگرایانه، قدرت فساد آور است و باید از سازوکارهای بیرونی برای مهار آن بهره جست. بخش دوم به بررسی نظریه حضرت امام در این باره اختصاص یافته است حضرت امام بر اساس نگرش عرفانی - اخلاقی خود، قدرت را ذاتاً خیر و کمال و منشأ فساد را عدم تهذیب نفس می‌داند. بنابراین حاکم باید «عادل» باشد تا از قدرت سوء استفاده نکند. اما نظارت بر او لازم نیست در عین حال، چون عدالت با خطا منافاتی ندارد، سازوکارهایی برای جلوگیری از خطای ولی فقیه وجود دارد که مهمترین آنها «مشورت» است. ویژگی این سازوکارها این است که برای ولی فقیه الزام آور نیستند. با این حال حضرت امام، با فرض وجود فاصله‌ای میان ولی فقیه و نهاد دولت، نظارت بر آن را از سوی مردم ممکن و لازم می‌شمارد. بنابراین، حضرت امام ضمن آنکه همانند سنت گرایان رأس هرم سیاسی را از دسترس نظارت بیرون می‌داند، با تفکیک میان جایگاه ولی فقیه و نهاد دولت، به مانند نوگرایان، امکان نهادینه شدن قدرت سیاسی و نظارت بر آن را فراهم می‌سازد.

۲۳	..... ۳-۱-۴. خواجه نصیرالدین طوسی
۲۵	..... ۲-۲. قدرت سیاسی نه شر است، نه خیر
۲۶	..... ۱-۲-۴. اپیکوریسم
۲۶	..... ۲-۲-۴. معتزله صوفی
۲۷	..... ۳-۴. قدرت شر است
۲۷	..... ۱-۲-۴. آنارشسیسم
۲۷	..... ۲-۳-۴. آگوستینیسم
۲۸	..... ۳-۳-۴. هابز
۲۹	..... ۴-۳-۴. لیبرالیسم
۳۱	..... پی نوشت‌ها
۳۹	..... گفتار دوم ساز و کارهای مهار قدرت
۳۹	..... ۱. مقدمه
۴۲	..... ۲. عدالت
۴۲	..... ۱-۲. جایگاه عدالت در نزد شیعه و اهل سنت
۴۲	..... ۲-۲. اصل عصمت
۴۳	..... ۲-۲. رویکردهای گوناگون به عدالت
۴۳	..... ۱-۳-۲. رویکرد اخلاقی
۴۵	..... ۲-۳-۲. رویکرد عرفانی
۴۶	..... ۳-۳-۲. رویکرد فقهی
۴۶	..... ۱-۳-۳-۲. تعریف عدالت
۴۷	..... ۲-۳-۳-۲. تفاوت عدالت فقهی و عدالت اخلاقی
۴۸	..... ۳-۳-۳-۲. راه اثبات عدالت
۴۸	..... ۴-۳-۳-۲. موارد اشتراط عدالت
۵۰	..... ۴-۲. عدالت و سازوکارهای بیرونی مهار قدرت
۵۱	..... ۱-۴-۲. شورا
۵۱	..... ۱-۱-۲-۲. لزوم رجوع به شورا
۵۲	..... ۲-۱-۲-۳. لزوم تبعیت از رأی اکثریت

## فهرست مطالب

مقدمه..... هفده

### بخش اول: قدرت و نظارت؛ چارچوب نظری

کفتار اول قدرت در ترازوی اخلاق..... ۲

۱- مقدمه..... ۲

۲- تعریف قدرت و داوری اخلاقی درباره آن..... ۲

۱-۲- تعریف قدرت..... ۲

۲-۲- قدرت و نابرابری..... ۲

۳-۲- قدرت و مشروعیت..... ۵

۴-۲- قدرت؛ جوهر یا رابطه..... ۶

۳- رویکردهای گوناگون به قدرت..... ۸

۱-۳- رویکردهای غیر جامعه شناختی..... ۸

۱-۱-۳- جایگاه قدرت در اندیشه سیاسی قدیم و جدید..... ۸

۲-۱-۳- ویژگیهای مشترک رویکردهای غیر جامعه شناختی به قدرت... ۱۰

۳-۱-۳- رویکرد کلامی..... ۱۲

۴-۱-۳- رویکرد فلسفی..... ۱۴

۵-۱-۳- رویکرد عرفانی..... ۱۸

۲-۳- رویکرد جامعه شناختی..... ۱۹

۴- گونه شناسی داوری اخلاقی درباره قدرت..... ۲۱

۱-۴- قدرت خیر است..... ۲۱

۱-۱-۴- افلاطون..... ۲۲

۲-۱-۴- اندیشه سیاسی ایرانشهری..... ۲۳

- ۹۵..... ۲. تعریف قدرت..... ۹۵
- ۹۶..... ۱-۲. قدرت سیاسی..... ۹۶
- ۹۸..... ۳. رویکرد حضرت امام به قدرت..... ۹۸
- ۹۹..... ۴. مبانی عرفانی داورى اخلاقى حضرت امام درباره قدرت..... ۹۹
- ۱۰۱..... ۵. انسان و قدرت..... ۱۰۱
- ۱۰۲..... ۱-۵. اصل کمال طلبی..... ۱۰۲
- ۱۰۳..... ۲-۵. انسان و قدرت طلبی..... ۱۰۳
- ۱۰۴..... ۳-۵. قوه غضبیه..... ۱۰۴
- ۱۰۴..... ۴-۵. گرایش انسان به شر..... ۱۰۴
- ۱۰۶..... ۵-۵. نابرابری ذاتی انسانها..... ۱۰۶
- ۱۰۷..... ۶. غایات قدرت سیاسی..... ۱۰۷
- ۱۰۷..... ۱-۶. برقراری نظم و امنیت..... ۱۰۷
- ۱۰۹..... ۲-۶. برقراری و تأمین قسط و عدل..... ۱۰۹
- ۱۱۰..... ۳-۶. تهذیب نفوس و تأمین سعادت انسانها..... ۱۱۰
- ۱۱۲..... ۴-۶. کسب و نگهداشت قدرت سیاسی..... ۱۱۲
- ۱۱۵..... ۷. قدرت‌های سیاسی ناروا..... ۱۱۵
- ۱۱۶..... ۱-۷. طاغوت..... ۱۱۶
- ۱۱۷..... ۲-۷. استبداد..... ۱۱۷
- ۱۱۷..... ۳-۷. دیکتاتوری..... ۱۱۷
- ۱۱۹..... ۸. پی آمد استقرار قدرت‌های سیاسی ناروا..... ۱۱۹
- ۱۲۰..... جمع بندی..... ۱۲۰
- ۱۲۱..... پی نوشت‌ها..... ۱۲۱
- ۱۲۷..... گفتار دوم عدالت از دیدگاه امام خمینی..... ۱۲۷
- ۱۲۷..... ۱. عصمت..... ۱۲۷
- ۱۲۸..... ۲. تعریف عدالت..... ۱۲۸
- ۱۲۸..... ۱-۲. تعریف اخلاقی..... ۱۲۸
- ۱۲۹..... ۲-۲. تعریف عرفانی..... ۱۲۹



۵۴	۲-۲-۲. نصیحت ائمه مسلمین.....
۵۵	۲-۲-۳. امر به معروف و نهی از منکر.....
۵۸	۳. نظارت.....
۵۸	۳-۱. قانون اساسی.....
۵۹	۳-۲. اصل پاسخ پذیری.....
۶۰	۳-۳. تفکیک قوا.....
۶۲	۴. نظارت در اندیشه سیاسی در اسلام معاصر.....
۶۲	۴-۱. سنت گرایی و نوگرایی.....
۶۳	۴-۲. سنت گرایان و قانون اساسی.....
۶۴	۴-۲-۱. رهبر و اصل تفکیک قوا.....
۶۵	۴-۲-۲. رهبر و مجلس خبرگان.....
۶۹	۴-۳. نوگرایان و ساز و کارهای نظارتی در اسلام.....
۷۰	۴-۳-۱. حاکم اسلامی و شورا.....
۷۲	۴-۳-۲. حاکم اسلامی و نصیحت.....
۷۳	۴-۳-۳. حاکم اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر.....
۷۳	۴-۴. نوگرایان و قانون اساسی.....
۷۳	۴-۴-۱. حدود اختیارات و وظایف رهبری.....
۷۴	۴-۴-۲. برابری رهبر و مردم در برابر قانون.....
۷۵	۴-۳-۳. مجلس خبرگان.....
۷۶	۴-۴-۲. نظارت بر اموال و داراییهای رهبر.....
۷۹	پی نوشت ها.....
۸۶	جمع بندی و نتیجه گیری.....
۸۸	پی نوشت ها.....

### بخش دوم: قدرت و نظارت از دیدگاه امام خمینی

۹۳	گفتار اول قدرت از دیدگاه امام خمینی.....
۹۳	۱. مقدمه.....

۱۶۷	۲-۵. نظارت بر اموال و داراییهای رهبر
۱۶۸	۳. نظارت مردم بر حکومت اسلامی
۱۶۸	۳-۱. لزوم نظارت مردم
۱۶۹	۳-۲. جایگاه و نقش ولی فقیه در نظام جمهوری اسلامی
۱۷۲	۳-۳. امام و نهاد دولت
۱۷۲	۳-۳-۱. شواهدی از اصل عدم مداخله در نهاد دولت
۱۷۶	۳-۳-۲. گرایش به نهادینه کردن قدرت
۱۷۸	۳-۳-۳. قانونگرایی
۱۷۸	۳-۳-۴. استقلال قوه قضائیه
۱۷۹	۳-۴. نظارت مردم بر نهاد دولت
۱۸۰	جمع بندی و نتیجه گیری
۱۸۱	پی نوشت ها
۱۸۵	نتیجه گیری

۱۳۱	۲-۳. تعریف فقهی.....
۱۳۲	۳. عدالت؛ شرط ضروری حاکم اسلامی.....
۱۳۴	۴. عدالت و غایت حقیقی قدرت سیاسی.....
۱۳۶	۵. راه تشخیص عدالت.....
۱۳۶	۵-۱. مرجع و امام جماعت.....
۱۳۷	۵-۲. ولی فقیه.....
۱۳۸	۵-۳. رأی آزاد مردم.....
۱۳۹	۵-۴. فقیه عادل و انتخاب مردم.....
۱۴۱	۶. راه تشخیص فقدان عدالت.....
۱۴۳	۷. چگونگی حفظ و تقویت ملکه عدالت.....
۱۴۳	۷-۱. تملق ستیزی.....
۱۴۴	۷-۲. نصیحت.....
۱۴۴	۸. عدالت و اشتباه.....
۱۴۴	۸-۱. عصمت و عدالت.....
۱۴۶	۸-۲. چگونگی بازشناسی گناه و اشتباه از یکدیگر.....
۱۴۷	۹. سازوکارهای جلوگیری از اشتباه.....
۱۴۷	۹-۱. شورا.....
۱۴۹	۹-۲. امر به معروف و نهی از منکر.....
۱۵۳	جمع بندی.....
۱۵۳	پی‌نوشت‌ها.....
۱۵۹	گفتار سوم نظارت از دیدگاه امام خمینی.....
۱۵۹	۱. مقدمه.....
۱۵۹	۲. امام و قانون اساسی.....
۱۵۹	۲-۱. جایگاه و نقش قانون اساسی.....
۱۶۲	۲-۲. جایگاه اصل ولایت فقیه در قانون اساسی.....
۱۶۳	۲-۳. حدود و اختیارات و وظایف ولی فقیه (اصل یکصد و دهم).....
۱۶۵	۲-۴. مجلس خبرگان.....

خواه آشکارا و خواه ضمنی، متضمن فهم خاصی از قدرت است. مقصود از «فهم قدرت» مجموعه‌ای از احکام و داوریه‌ها در باره مفهوم، خاستگاه، اشکال و غایات قدرت است؛ اما در این نوشتار، مراد از فهم قدرت - به طور خاص -، داوری اخلاقی درباره آن است؛ برخی قدرت را ماهیتاً خیر و نیکی می‌شمارند و برخی دیگر آن را سراپا شر و زشتی می‌بینند. داوری اخلاقی در باره قدرت از «فهم» آن جدا نیست و داوری‌های متفاوت بر مفروضات متفاوتی درباره مفهوم، خاستگاه و غایات آن مبتنی است. خاستگاه پرسش از ماهیت اخلاقی قدرت، پیش از هر چیز دیگر، واقعیت وجودی قدرت در جوامع بشری است. همین واقعیت است که اندیشه وران را به پرسش از «تأثیر اخلاقی قدرت درباره کسانی که آن را به کار می‌برند» برمی‌انگیزد: «آیا قدرت به آنان کمک می‌کند که بانی خیر باشند؟ یا بناچار آنان را فاسد خواهد کرد؟»<sup>(۲)</sup>

این پرسش را می‌توان به جرأت، یکی از مهمترین پرسش‌های اندیشه سیاسی دانست؛ چرا که بخش عمده‌ای از کاخ اندیشه سیاسی، بر پایه‌های پاسخ به این پرسش استوار می‌گردد. از جمله پی‌آمدهای این پاسخ، تعیین راه و روش‌های جلوگیری از خطرات سوء استفاده از قدرت است. به طور کلی، برای مهار قدرت، در اندیشه‌های سیاسی، دوروش پیشنهاد شده است: مهار درونی و مهار بیرونی. هر یک از این دوروش مبتنی بر داوری اخلاقی متفاوتی درباره قدرت است. بر اساس این فرض، می‌توان با پژوهش در اندیشه‌های سیاسی، رابطه میان داوری اخلاقی درباره قدرت و مهار آن را دریافت و بدین ترتیب مسأله خطیر «مهار قدرت» را از این زاویه مورد توجه قرار داد.

حضرت امام خمینی(ره)، به عنوان یک اندیشه‌ور سیاسی، در ترسیم ویژگیهای حکومت مطلوب در عصر غیبت، نظریه ولایت فقیه را عرضه داشت و آن را در

## مقدمه

### ۱. طرح موضوع

«سیاست» همواره با مفهوم «قدرت» همراه بوده است؛ چراکه جوهره هر کنش سیاسی «اعمال قدرت» است. در اندیشه سیاسی نیز - که در جوامع بشری عمری به درازای عمر سیاست داشته -، مهمترین پرسشها، درباره مفهوم قدرت طرح گردیده است: چه کسی باید حکومت کند؟ چرا باید از حکومت اطاعت کرد؟ غایات حکومت چیست؟ بهترین شکل حکومت کدام است؟ تحلیل هر یک از این پرسشها نشان می‌دهد که در نهایت «قدرت» عنصر اساسی و جوهری در آنهاست؛ «حکومت» عالی‌ترین و سازمان یافته‌ترین شکل اعمال قدرت در جامعه است. «آمریت»، به معنای «قدرت مشروع» است و روی دیگر آن «مشروعیت» به معنای پذیرش حق حکومت یا حاکمان در اعمال قدرت توسط مردم است.

هر یک از اندیشه‌وران سیاسی بر اساس جهان‌نگری و شرایط خاص محیطی خود، به پرسش‌های بالا، پاسخ‌های متفاوتی داده و از مفاهیم یاد شده به گونه متفاوتی سخن گفته است. اختلاف نظر در این باره چندان زیاد است که برخی صاحب‌نظران، اندیشه سیاسی را بیشتر قلمرو محاجّه و مشاجره و اختلاف نظر می‌دانند تا «حوزه اجماع و توافق».<sup>(۱)</sup> اما صرف نظر از این اختلاف‌ها و با توجه به جایگاه مهم قدرت در عرصه سیاست، می‌توان ادعا کرد هر اندیشه سیاسی‌ای،

۴. فهم حضرت امام از قدرت و داوری اخلاقی ایشان درباره آن چیست؟
۵. «عدالت» - به عنوان یکی از شیوه‌های درونی مهار قدرت -، از دیدگاه حضرت امام چیست؟
۶. نظر حضرت امام، درباره «نظارت» - به عنوان راه بیرونی مهار قدرت - چیست؟

## ۵. اهمیت و علت انتخاب موضوع

ولایت فقیه، هسته مرکزی نظام جمهوری اسلامی ایران است و مباحثات دقیق، عمیق و عالمانه درباره آن بر انسجام، استواری و پایداری این نظریه می‌افزاید و در نهایت موجب تقویت مبانی نظری جمهوری اسلامی می‌گردد. به علاوه، اندیشه‌ها و آراء حضرت امام، که در طول دوران انقلاب و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ابراز شده‌اند، منبع سرشاری از معرفت سیاسی و تجارب عملی در اداره جامعه است.<sup>(۳)</sup> بنابراین، اگر این نوشتار بتواند پرتوی بر برخی زوایای ناشناخته اندیشه سیاسی حضرت امام بیفکند و یا حداقل زمینه‌های مناسب‌تری برای طرح پرسش و پژوهش در آن فراهم آورد، در رسیدن به اهدافش کامیاب بوده است. و بالاخره اینکه، در این نوشتار تلاش می‌شود از زاویه نسبتاً تازه‌ای به اندیشه سیاسی معاصر شیعی - به طور عام - و اندیشه سیاسی حضرت امام - به طور خاص - نظر افکنده شود. بررسی اندیشه سیاسی شیعی با تکیه بر فهم آنان از قدرت، برخی مفروضات ناگفته را در اندیشه‌های سیاسی شیعیان آشکار می‌کند.

## ۶. پیشینه موضوع

بحث درباره شئون مختلف نظریه ولایت فقیه در سالیان اخیر همواره جریان

عمل به کار بست. در چارچوب نظریه ولایت فقیه، این پرسش قابل طرح است که آیا از نظر حضرت امام (ره) بر ولی فقیه، نظارتی وجود دارد. با توجه به فرض رابطه میان داوری اخلاقی درباره قدرت و نوع مهار آن، جای طرح این پرسش است که آیا حضرت امام قدرت را خیر می داند یا شر؛ و به عبارت دیگر، داوری اخلاقی حضرت امام درباره قدرت چیست؟

## ۲. پرسش اصلی:

داوری اخلاقی حضرت امام (ره) درباره قدرت چیست و بر اساس آن، آیا نظارت بر ولی فقیه مورد نیاز هست یا خیر؟

## ۳. فرضیه اصلی:

حضرت امام در چارچوب نگرش عرفانی - اخلاقی خود، قدرت را خیر و کمال و منشأ شر و فساد را «حب نفس» در انسان می داند. بر این اساس، از آنجا که ولی فقیه در صورت دارا بودن ملکه عدالت، قدرت را تصدی می کند، نظارت بر ولی فقیه مورد نیاز نیست.

## ۴. پرسش های فرعی

۱. گونه های داوری اخلاقی درباره قدرت کدام است؟

۲. روش های مهار قدرت کدام است و نوع رابطه آنها با داوری اخلاقی درباره قدرت چگونه است؟

۳. اندیشه وران سیاسی - به ویژه مسلمانان - درباره قدرت و مهار آن چه نظریه هایی ارائه کرده اند؟

## ۸. مفاهیم / متغیرها

- الف. ولایت فقیه. نظریه سیاسی حضرت امام که بر اساس آن در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام حق حکومت از آن فقیه جامع الشرایط است.
- ب. قدرت: رابطه‌ای است نابرابر میان فرمانروا و فرمانبر که از طریق آن، فرمانروا می‌تواند رفتار، موقعیت یا وضعیت فرمانبر را تعیین و تحدید کند یا تغییر دهد.
- ج. نظارت: عبارت است از مهار بیرونی قدرت از طریق ایجاد نهادهایی قانونی که نسبت به صاحبان قدرت دارای حق سؤال، استیضاح، عزل و نصب باشند یا حیطه قدرت آنان را محدود سازند.
- د. داوری اخلاقی: عبارتست از قضایایی ارزشی که خیریت یا شریت (خوبی یا بدی) را به ماهیاتی نسبت می‌دهند.

## ۹. روش تحقیق

ویژگی رویکرد حاکم بر این نوشتار، این است که ضمن تلاش برای دریافت درست اندیشه مورد بحث و ارائه آن در قالب یک منظومه فکری منسجم و منطقی، در نهایت برون نگر است و به خودی خود، در مقام دفاعیه یا ردیه نویسی بر هیچ نظریه‌ای نیست و بیش از هر چیز دغدغه فهم «چیستی» اندیشه سیاسی را دارد تا ارزیابی آن؛ بنابراین می‌توان گفت این نوشتار پژوهشی «توصیفی - تبیینی» است. «تبیین» در این نوشتار، به معنای بررسی تأثیر عوامل بیرونی و غیر اندیشه‌ای - از قبیل شرایط خاص اجتماعی یا اقتصادی یا تأثیر نهادهای سیاسی یا مذهبی - بر مفهوم مهار قدرت نیست. بلکه در اینجا هم متغیر مستقل (قدرت) و هم متغیر وابسته (نظارت)، هر دو از جنس اندیشه‌اند.



داشته است؛<sup>(۴)</sup> اما درباره پرسش اصلی، آثار معدودی به چشم می‌خورد و در غالب موارد به اشاراتی در این باره بسنده شده است. در میان این آثار به ویژه باید به کتاب «نظریه‌های دولت در فقه شیعه» اشاره کرد که به قلم محسن کدیور انتشار یافته است؛<sup>(۵)</sup> دیگر آثاری که در این زمینه طی سالیان اخیر انتشار یافته، کم و بیش به این اثر مانند بوده یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند. در این کتاب مبنای طبقه بندی نظریه‌های سیاسی، نوع مشروعیت در آنها است که بر آن اساس کلیه نظریه‌ها در دو دسته نظریه‌های مبتنی بر مشروعیت الهی بلاواسطه و نظریه‌های مبتنی بر مشروعیت الهی - مردمی جای گرفته‌اند. دیگر مباحث مربوط به اندیشه سیاسی با توجه به این مبنا و در ارتباط با آن مورد بحث قرار گرفته‌اند. اما در اینجا هدف آن است که در کنار این مبناء جایی برای مبنایی دیگر باز شود و از بررسی مسأله مهار قدرت و سازوکارهای آن بر اساس مبنای مشروعیت دوری گزیده شود.

## ۷. مفروض‌ها

۱. نظریه‌های سیاسی جزئی از یک جهان‌نگری کامل (منظومه فکری) هستند و صرفاً فرآورده شرایط سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی خاص نیستند.
۲. داوری اخلاقی درباره قدرت تعیین کننده شیوه مهار آن است.
۳. در ارزیابی نظریه‌های سیاسی باید به دو ویژگی توجه داشت: ۱ - انسجام درونی و فقدان تناقض منطقی ۲ - کارآمدی.
۴. نظریه‌های سیاسی همچنانکه از عالم واقع متأثر می‌گردند، از طریق شکل دادن به رفتارهای سیاسی، بر عالم واقع تأثیر می‌گذارند. بنابراین، نظریه سیاسی، چارچوب تعیین کننده رفتارهای سیاسی است.

در بررسی اندیشه‌های سیاسی حضرت امام، همچنین باید به این نکته توجه کرد که ایشان یک اندیشه‌ور سیاسی «حرفه‌ای» نیست. اندیشه‌ور سیاسی حرفه‌ای کسی است که در صدد بوده، با فراغ بال، آسودگی خاطر و تأمل تام و تمام، اندیشه‌های خود را با نظم و انسجام کامل، در آثارش بیان کند. این گروه از اندیشه‌وران، حتی اگر خود مرد عمل سیاسی نیز باشند، آثارشان را اغلب در هنگام کناره‌گیری یا برکناری از عرصه سیاست، به نگارش درآورده‌اند. درباره حضرت امام این وضعیت متفاوت است. حضرت امام - به جز کتاب مهم «ولایت فقیه» و مبحث «ولایة الفقیه» در «کتاب البیع» -، آراء و اندیشه‌های سیاسی خود را غالباً در دوران رویدادهای سیاسی و در سخنرانیها یا اعلامیه‌های خود ابراز داشته است. از این رو، ارائه منسجم اندیشه‌های سیاسی ایشان، مستلزم گردهم آوردن دیدگاه‌های ایشان است که در کل آثار سیاسی‌شان پراکنده‌اند. آنچه این کار را تا اندازه‌ای آسان می‌کند، دو چیز است: نخست آنکه حضرت امام در سخنان خود، به دلیل تغییر مخاطبان، اندیشه‌های خود را مکرراً ابراز داشته است؛ دیگر آنکه شخصیت فکری حضرت امام بسیار باثبات و استوار بوده، که همین امر موجب می‌گردد پژوهشگر بتواند به سادگی سخنان ایشان را در منابع متقدم در کنار اظهاراتشان در مراجع متأخر بنشانند و از مجموعه آنها، اندیشه حضرت امام را دریابد. از این رو، در این نوشتار سعی گردیده به نقل گزیده‌ای از سخنان حضرت امام بسنده شود و برای آگاهی بیشتر در پی نوشت‌ها به دیگر سخنان حضرت امام ارجاع داده شود.

همچنین، باید به این نکته اشاره کرد که در این نوشتار، مراجعه مستقیم به آثار حضرت امام مد نظر بوده است. در نتیجه مجموعه مباحث این پژوهش و نتایج آن را باید تفسیری دانست از اندیشه‌های سیاسی حضرت امام، در کنار دیگر تفسیرهایی که جناح‌های سیاسی مختلف یا پژوهشگران دیگر از اندیشه‌های ایشان

برای گرد آوری داده‌ها، در بخش نظری تنها به منابع موجود در کتابخانه‌ها - کتاب، رساله، مقاله و نشریه - مراجعه گردید. بخشی از داده‌های مربوط به این بخش در اختیار دبیرخانه مجلس خبرگان بوده که بر اساس مصوبه کلی مجلس خبرگان رهبری - که در آن کلیه اسناد مربوط به خبرگان رهبری، محرمانه تلقی شده - امکان دسترسی به آنها عملاً موجود نبوده است.

برای گرد آوری داده‌ها درباره اندیشه سیاسی حضرت امام عمدتاً به آثار انتشار یافته ایشان مراجعه شده است. علاوه بر این، از برخی کتاب‌ها که در زمینه خاطرات حضرت امام و تاریخ انقلاب اسلامی، به نگارش درآمده، استفاده شده است. در اینجا باید بدین نکته با اهمیت اشاره کرد که فهم درست اندیشه‌های حضرت امام - به ویژه اندیشه‌های سیاسی ایشان - مستلزم آن است که هم به گفته‌ها و نوشته‌ها و هم به رفتارهای ایشان توجه شود و هر یک مبین و مفسر آن دیگری قرار گیرد. در غیر اینصورت، در نتیجه‌گیری پایانی احتمال کاستی یا ناراستی می‌رود. فرزند حضرت امام، در این باره به پژوهشگران توصیه مشابهی می‌کند:

«شما می‌دانید «سنت» که یکی از ارکان منابع فقه است منحصر به «قول» نیست، بلکه قول و فعل و تقریر پیامبر اکرم (ص) هر سه راهنمای عمل و مبنای استنباط احکام‌اند. بدون آنکه بخواهم تشبیهی کرده باشم وقتی که ما معتقدیم که آراء و نظریات و مواضع امام خمینی به عنوان یکی از پیروان و معتقدان واقعی پیامبر اکرم بیانگر اسلام ناب بوده [...] و اگر معتقدیم که تضمین و تداوم نهضت فرهنگی و سیاسی‌ای که امام خمینی ایجاد کرده و درگرو پیمودن راه آن حضرت است علاوه بر شناخت آراء و اندیشه ایشان از لابلای نوشته‌ها و گفته‌های او باید به سیره عملی و نحوه رفتار و عملکردهای او نیز با همان دقت توجه و مراجعه کنیم.»<sup>(۶)</sup>

### پی نوشت‌ها

۱. حسین بشیریه. دولت عقل، (تهران: مؤسس نشر علوم نوین، ۱۳۷۴)، ص ۵.
۲. گلن تیندر. تفکر سیاسی، ترجمه محمود صدری، (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴)، ص ۷۸.
۳. حضرت آیه الله خامنه‌ای، درباره ارزش‌های نهفته در مطالعه و بررسی دوران رهبری حضرت امام، به ویژه در ده ساله پس از انقلاب می‌فرماید:  
«ده سال رهبری او برای مردم و مدیران ما، یادگاری فراموش نشدنی و ذخیره‌ی بس گرانبهاست.»  
حدیث ولایت، (تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵)، ج ۱، ص ۱۳.
۴. مشخصات دو نمونه از کتابشناسی‌هایی که درباره، «ولایت فقیه» تهیه شده چنین است:  
الف. کتابشناسی توصیفی ولایت فقیه. تهران: معاونت اندیشه اسلامی، مرکز تحقیقات استراتژیک، اسفند ۱۳۷۲، ۶۴ ص.  
ب. واقفی، حسین و خیامی، حسین. «کتابنامه ولایت فقیه»، مشکوة (شماره ۲۳ و ۲۴، تابستان و پاییز ۱۳۶۸)، صص ۳۰۵-۳۳۲.
۵. محسن کدیور، نظریه‌های دولت در فقه شیعه. - تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
۶. سید احمد خمینی. مجموعه آثار یادگار امام (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴-۱۳۷۵)، ج ۲، ص ۵۹۷.